

متن پرسش

سلام علیکم: مسئله ای است که مدتها ذهنم را درگیر کرده و تقریباً در هر جایی این حرف ها گفته می شود. ما همیشه وقتی از تاریخ قبل از انقلاب صحبت می کنیم (بخصوص زمان پهلوی پدر و پسر)، از نقطه های تاریک آن دوران مانند خیانت ها، مفاسد اقتصادی، زورگویی و دیکتاتوری، سرکوب مذهب، شکنجه و کشتار ظالمانه و هزاران موارد دیگر یاد می کنیم تا ۱. مروری باشد بر تاریخ معاصر و ۲. عبرتی باشد برای آیندگان. اما وقتی به شرایط کنونی جامعه می نگریم، احساس می کنیم که بعضی از آن نقطه های تاریک، در زمان ما هم دیده می شود، با این تفاوت که در آن زمان دیکتاتوری محض و در این زمان مردم سالاری - در آن زمان لا مذهب و سکولاریسم و در این زمان حکومت اسلامی برقرار است. اگر بخواهیم همه این مسائل را در نشست های تخصصی، از روی دلیل و منطق پاسخ دهیم، جواب های زیادی وجود دارد. ولی طیف دیگری که در کف جامعه، مثلاً در تاکسی یا ناوایی یا مغاره و جاهای دیگر، نسبت به وضعیت موجود معترضند، نمی شود فلسفه بافی کرد. طبیعتاً شما هم با این موارد روبرو شده اید که مثلاً می گویند: «خوردند و بردند - در این زمانه فقط پارتی و مسائلی از این دست ...» حال سوال بنده اینست که اگر قرار باشد اختلاس باشد، بیت المال هدر برود، ضعیف کشی باشد، پارتی بازی و تبعیض باشد، منافق و مقدس مآب ها باشند، بی عدالتی باشد، و ، پس هدف از تشکیل حکومت اسلامی چه بود؟ مگر غیر از این بود که در مقابل موارد ذکر شده بایستد؟ و سوال دوم اینکه چگونه باید پاسخ مردم را که انصافاً در بعضی موارد حق با آنهاست، را داد؟ با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: تفاوت این دو نظام در آن است که نظام شاهنشاهی، خودش عین چپاول و اختلاس و هدر دادن اموال ملی بود. ولی نظام اسلامی در صدد اصلاح آن امور است و به همین جهت به جای پنهان کردن اختلاس ها، آن ها را علنی می کند و مجرمان را به مردم معرفی می نماید. لذا در عین این که ما هیچ دفاعی از بودن چنین ضعف هایی نداریم، ابداً کلیت این نظام را با نظام شاهنشاهی قابل مقایسه نمی دانیم و به مردم عادی هم که با همین ادبیات و بدون تعصب سخن بگوییم، با ما همراهی می کنند. موفق باشید